

تحلیل محتوای پیام‌های توییتری و شکل‌گیری هویت ضدگفتمانی^۱

روح الله نصرتی^۲، تهمتن برومند^۳

تاریخ دریافت: ۹۸/۲/۳، تاریخ تایید: ۹۸/۶/۱۸

چکیده

توییتر با سرعتی فزاینده در حال نفوذ در جامعه ایران است. اعضای فارسی‌زبان آن در حال افزایش می‌باشند و جوانان در حال استفاده روزافزون از آن به‌عنوان بستری برای طی کردن فرآیند اجتماعی‌شدن و ارتباط برقرار کردن، هستند. به تازگی، تغییراتی در شیوه‌های زبانی^۴ این نسل جوان به‌صورت لفاظی‌های رکیک جنسی مشاهده شده است. این موضوع حتی در برخی از سپهرها و اماکن عمومی^۵ به‌راحتی قابل مشاهده است. در پژوهش حاضر شبکه اجتماعی توییتر و بخش مورد استفاده از آن توسط فارسی‌زبانان مورد پایش قرار گرفته است. هدف این پایش حصول پاسخ برای این پرسش است که آیا با توجه به سابقه ادبی محافظه‌کار ایران و میراث ادبی بسیار عظیم آن، چنین تغییرات ناگهانی در ساختارهای زبان‌شناختی عینی و واقعی هستند؟ آیا توییتر بستری برای ظهور گفتمانی جدید یا به‌عبارتی دیگر یک ضدگفتمان رسمی در جامعه است و اگر چنین است؛ ویژگی‌های این گفتمان کدام هستند؟

برای نیل به این هدف، رویکرد زبان‌شناسی اجتماعی^۶ در انسان‌شناسی مورد استفاده قرار گرفته است. روش پژوهش حاضر روش توصیفی - تحلیلی است. از روش کیفی «تحلیل محتوا» برای تجزیه و تحلیل توزیع‌ها و فراوانی و کمیت این عبارت‌های جنسی به‌کار رفته در توییتر فارسی استفاده شده است.

کلیدواژه‌ها: انسان‌شناسی، توییتر، زبان‌شناسی اجتماعی، ضدگفتمان، هویت

۱ منظور از گفتمان، قواعد رسمی و هنجاری جامعه در کاربرد زبان است.

۲ استادیار دانشگاه تهران، گروه انسان‌شناسی (r.nosrati@ut.ac.ir)

۳ دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه علوم اجتماعی، دانشگاه تهران

(tahamtanboroumand@ut.ac.ir)

4 ways of speech

5 public sphere

6 socio-linguistic

مقدمه

جامعه امروز ایران به دلیل قرار گرفتن در معرض تغییرات تکنولوژی ارتباطاتی و اطلاعاتی جدید، تغییرات جدیدی را در ساحت فرهنگ تجربه می‌کند.

تغییرات روزافزون در فناوری از تغییرات معمولی چون اثر فناوری اطلاعات در چگونگی استفاده ما از تلفن همراه و یا اثر فناوری‌های ارتباطاتی جدید از جمله شبکه‌های اجتماعی بر روی روابط انسانی و اجتماعی تا تغییرات پیچیده مانند اثر گازه‌های گلخانه‌ای بر زیست محیط در حال دگرگون کردن دنیای انسان‌هاست. برخی از این تغییرات مطلوب و برخی دیگر نامطلوب هستند و شخصیت و روح انسانی را تضعیف و بقای ما را تهدید می‌کنند. از همه مهم‌تر اینکه بیشتر تغییرات دارای پیامدهای خواسته یا ناخواسته کنش خود بشرند. حال آنکه غالباً تلاش‌های همراه با حسن نیت ما برای حل مسائل فوری منجر به مقاومت در مقابل آن می‌شود. بدین ترتیب سیاست‌ها به دلیل واکنش‌های پیش‌بینی نشده به تعویق می‌افتد، کم‌رنگ می‌شود و یا شکست می‌خورد. در بسیاری از مواقع بهترین تلاش‌های ما برای حل یک مسئله تنها اوضاع را وخیم‌تر می‌کند. بدیهی است آثار گیج‌کننده تغییرات روزافزون، مسئله جدیدی نیست. هنری آدامز^۱ (۱۹۱۸) که تغییرات انقلاب صنعتی را هوشمندانه بررسی کرده است، معتقد است که از سال ۱۸۰۰ به بعد نیروهای جدیدی کشف شده‌اند و نیروهای قدیمی به نیروهای قدرتمندتری تبدیل شده‌اند. پیچیدگی‌ها به اوج خود رسیده و برای درک این تغییرات به هوش اجتماعی جدیدی نیاز است.

فناوری‌ها از آغاز تمدن بشری بر نحوه زیست آدمی تأثیر گذاشته‌اند. براساس مطالعات انسان‌شناختی انقلاب‌های مهم در زندگی جوامع انسانی با محوریت تکنولوژی از به‌کارگیری آتش تا ابداع الفبا، اختراع چرخ، دستگاه چاپ و خلق ماشین بخار و در دوره متاخر فناوری اطلاعات و ارتباطات همگی در تغییر زیست بوم فرهنگی آدمی نقش داشته‌اند، اما تکنولوژی‌های بعد از انقلاب صنعتی تفاوت چشم‌گیری با فناوری‌های دوران قبل از انقلاب صنعتی داشته است و آن این است که نوآوری‌های تکنولوژیک در گذشته اموری یا اندیشیده شده و یا اتفاقی و گاه به گاه و با سرعت کمتر بوده و در خدمت انسان و یا برابر با انسان بوده است. به تعبیر پستمن^۲ می‌توان این دوران را به دوران حاکمیت فرهنگ ابزار و فرهنگ تکنوکراسی تعبیر نمود (postman, 1993). از دو قرن پیش به این سو ما شاهد حاکمیت

1 Henry Adams

2 Postman

تکنوپولی^۱ هستیم. در این دوران تکنولوژی به‌صورتی شتابنده رو به رشد گذاشته و نتایج و تبعات اجتماعی و فرهنگی تکنولوژی به گونه‌ای دامن گستر شده و همه قلمروی از زندگی آدمی را تحت تأثیر قرار داده است. «رشد سریع تکنولوژی‌های نو و توانایی‌های چندگانه آنها در ایجاد تغییرات در زیست بوم‌های طبیعی و اجتماعی انسان در عرصه‌های متنوع از اخلاق گرفته تا سیاست، اقتصاد، فرهنگ و اجتماع مسائل گوناگون و حایز اهمیتی را مطرح کرده و فرصت‌ها و تهدیدهای جدی را پیش روی شهروندان، محققان، تصمیم‌گیران و مدیران در جوامع قرار داده است. با این حال بقای جوامع بشری و رشد موزون و هماهنگ در گرو شناخت هر چه دقیق‌تر تکنولوژی و تحولات آن است» (Dorf, 2001؛ پایا، ۱۳۸۷).

در دو دهه گذشته در نتیجه انقلاب اطلاعاتی، دسترسی به فضاها و امکانات جدید ارتباطاتی، حوزه فرهنگ را بیش از گذشته تحت تأثیر قرار داده است. این تغییرات دارای دو سویه مثبت و منفی است. جنبه مثبت تغییرات به ذات پویایی فرهنگ و تأثیرات بیرونی آن و جنبه بازتولید آن در شکل جدید برمی‌گردد. این امکان، ظرفیت فرهنگ را برای پذیرش تغییرات و تلاش برای روزآمدی را تقویت می‌کند، اما در عین حال تغییرات بیرونی و محیطی دارای پیامدهای منفی در حوزه فرهنگ نیز است و ممکن است قواعد غیررسمی خود را به فرهنگ تحمیل نماید. می‌توان از چنین تغییراتی به‌عنوان یک فضای پویا و دینامیک نام برد. دینامیکی که همچون سیستم می‌تواند خود را در صورتی جدید و تطبیق‌پذیرتر بازتولید کند. این سیستم به تعبیر پارسونزی یک سیستم فرهنگی است که دارای قابلیت تطابق، حرکت به‌سمت اهداف، سازگاری و یک‌پارچگی و بقا به‌صورتی میراث‌پذیر است (Luhmann, 2017) (Parsons, 1968). از سوی دیگر اما، همین محرک‌های خارجی غیرمنتظره ممکن است نتایج غیرقابل پیش‌بینی‌ای را به بار آورند که بدیل‌های فرهنگی در خود داشته باشند که درست مقابل فرهنگ رسمی و مستقر عمل کند. تمام این فرآیند می‌تواند تبدیل به یک بی‌نظمی عمده و آشوب شود.

یکی از مهم‌ترین حوزه‌های فرهنگ، زبان به‌مثابه امر اجتماعی و فرهنگی است که متأثر از تغییرات بیرونی است و نمودهای این تغییرات در جهان واقعی را می‌توان هم در گفتار و هم در بیان صوری ملاحظه کرد.

هر جامعه‌ای در چارچوب گفتمان رسمی، دارای زبان معیار است که عموماً مبنای تمایز با گفتمان غیررسمی است. جامعه ایران، حداقل در زبان و سپهر عمومی، جامعه‌ای محافظه‌کار

محسوب می‌شود (عبدالحمید حسنی، ۱۳۸۰، حاتمی و رهبر، ۱۳۹۶). می‌توان تفاوت نسبتاً عمده زبان رسم‌الخط اداری و رسمی ایران با زبان محاوره و اخیراً محاوره اینترنتی را شاهدی بر این مدعا دانست. محافظه‌کاری زبانی در ادبیات فارسی به‌نظر موضوعی تاریخی می‌آید. منظومه‌های ادبی هزل و هجو و ... بسیار اندکی در مقیاس با زبان پیچیده و بسیار تمیز به‌کار رفته در آثار ادیبان صاحب‌نام ایرانی نشانه‌ای از این موضوع است. برای نمونه در یکی از معدود پژوهش‌های کمی انجام شده در آثار ادیبان بزرگ ایران، مطالعه‌ای تحت عنوان سعدی‌پژوهی انجام گرفته است که نسبت میان تمام آثار چاپ شده از سعدی یا حول محور سعدی به آثار چاپ شده و یا پرداخت شده با موضوع هجو از این شاعر در سال ۱۳۸۵ خورشیدی ۱۰۰/۳ است. (۶۶۰۰ نسخه در مقابل ۲۰۲۳۰۰ نسخه کل).^۱

در این بین اما با ظهور رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی تغییراتی در زمینه زبان مورد استفاده در سپهر عمومی مشاهده شده است.^۲ استفاده جوانان از کلمات رکیک در فضاهای عمومی و نیز شکسته‌شدن تفاوت‌های جنسی در ملاء عام، انگیزه ابتدایی برای پایش و مطالعه تغییرات احتمالی زبان مورد استفاده در سپهر عمومی را تقویت می‌کند. سؤال محوری پژوهش با تکیه بر پایش وضعیت زبانی موجود در توییتر این است که آیا بستری برای ظهور گفتمانی جدید یا به‌عبارتی دیگر یک ضد گفتمان رسمی در جامعه است و اگر چنین است؛ ویژگی‌های این گفتمان کدام هستند؟

از میان شبکه‌های اجتماعی عمده، توییتر مبنای این پایش قرار گرفت. در انتخاب توییتر به‌عنوان مرجع در زبان عمومی و گفتار در سپهر عمومی، دو شاخصه زیر مورد توجه قرار گرفتند:^۳ - حساب کاربری توییتر به‌طور پیش‌فرض در دسترس عموم قرار دارد و با توجه به میزان بالای کاربر غیرمخفی، نمونه خوبی از گفتار در سپهر عمومی با خودآگاهی نسبت به شنیده‌شدن است.

- محدودیت حروف و علائم قابل استفاده در توییتر موجب استفاده از صریح‌ترین کلمات برای بیان منظور و مفاهیم گفتاری می‌شود.

پیشینه پژوهش

در ارتباط با پیشینه پژوهش حاضر می‌توان گفت که پژوهش‌های انجام شده در خصوص ارتباط زبان فارسی و فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی به دو گروه عمده قابل تقسیم هستند

1 (n. d.). Retrieved from <http://sadishenasi.com/Detail.aspx?id=473>

2 SNA News Agency. (2016, October 14). «بررسی شد»تأثیر فضای مجازی بر زبان فارسی». Retrieved from <https://www.isna.ir/news/95072312938/from>

3 Twitter Terms of Service. (n. d.). Retrieved from <https://twitter.com/en/tos>

(هدایت مفیدی و دیگران، ۱۳۹۶). گروه نخست به نقش عوامل فرازبانی و غیرزبانی (اعم از عوامل اجتماعی، فرهنگی و جمعیت‌شناختی). بر کاربرد زبان فارسی در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی پرداخته‌اند که از جمله آنها می‌توان به آقا ابراهیمی و میرطلایی (۱۳۹۲)، باقری کرم (۱۳۹۰)، پیشگاه‌زاده (۱۳۸۸)، کوثری و خیرخواه (۱۳۸۷) و جباری آذربایجانی (۱۳۸۶) اشاره کرد. گروه دیگری از پژوهش‌ها با رویکرد آسیب‌شناختی به نقش فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی در تخریب و تضعیف زبان فارسی در هر دو بعد صوری و گفتاری پرداخته‌اند. از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به هدایت مفیدی و دیگران (۱۳۹۶)، چلمقانی و شهریاری‌فر (۱۳۹۲)، قلی‌فامیان (۱۳۹۲)، بی‌جن خان (۱۳۹۱)، زندی و ربانی (۱۳۸۸) و محمدنژاد عالی زمینی و کاووسی (۱۳۸۷) اشاره کرد.

در پژوهش حاضر زبان نه به‌عنوان یک ابزار ارتباطی، بلکه بیشتر به‌عنوان مولفه‌ای که دارای نقش و کارکرد گفتمانی است مورد توجه قرار گرفته است. بدین ترتیب توجه به زبان فراتر از تقلیل نقش آن به‌عنوان ابزار ارتباطی است و به همین دلیل، در مقام تحلیل می‌توان این داعیه را مطرح کرد که زبان به‌کار رفته در توییتر به‌عنوان گفتمان، نقش تخریب‌گری گفتمانی دارد. هر چند که پاسخ به این سؤال نیازمند پژوهش‌های جدی‌تر است و ادعاهای مطرح شده در پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی و تحلیلی چشم‌انداز جدید برای تحلیل گفتمانی در زمینه زبان بکار رفته در توییتر را فراهم می‌سازد.

مبانی و چارچوب نظری

بنیان‌های نظری پژوهش حاضر مبتنی بر مباحث نظری در حوزه زبان‌شناسی اجتماعی^۱ است. حوزه زبان‌شناسی اجتماعی نسبت به پویای‌های زبانی، فلسفه زبان و زبان‌شناسی پیشینه کمتری دارد، حضورش در تحلیل‌های زبانی با مقاومت و مناقشه همراه بوده است، اما به هر حال نظریات جامعه‌شناختی و انسان‌شناختی در حال توسعه‌ای در میان دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی جای خود را در زبان‌شناسی باز کردند.

زبان‌شناسان به چهار وجه التزام ظرفیت سیستماتیک، تناسب، میزان وقوع و شدنی‌بودن برای زبان‌شناسی درخور از حیث سازگاری و کمال قائل هستند. در بین این چهار وجه، مورد سوم به اندازه کافی توجه زبان‌شناسان و فیلسوفان زبان را به خود جلب نکرده است، اما نقطه عزیمت خوبی برای جامعه‌شناسانی چون لایبوف بوده است تا وارد مباحث زبان‌شناسی گردند. توجه به وجه میزان وقوع، نشان‌دهنده این امر است که تکرار ساخت یا ساختارهای زبانی،

1 socio-linguistic

آگاهانه توسط یک جامعه زبانی رخ می‌دهند و ابزاری برای تعریف‌ها و ارزش‌گذاری‌های جدید به‌دست می‌دهند (Dell Hymez, 1997; Coupland&Jaworski, 1997:13).

از نظر دل هایمز، ورود امر اجتماعی در زبان‌شناسی و آنچه زبان‌شناسی اجتماعی نام دارد، می‌تواند تحت سه عنوان صورت بپذیرد: ۱- همان‌قدر اجتماعی که زبانی؛ ۲- زبان‌شناسی واقع‌گرا با رویکرد واقعیت‌های اجتماعی؛ ۳- زبان‌شناسی به‌عنوان یک برساخت اجتماعی (Dell Hymez, 1997; Coupland&Jaworski, 1997:13).

رویکرد اول گامی بیشتر از زبان‌شناسی نیست. این رویکرد در واقع همان بررسی مشکلات اجتماعی است که زبان در آنها دخیل است، اما رویکردهای دوم و سوم تمایز بیشتری با زبان‌شناسی خام دارند. زبان‌شناسی واقع‌گرای اجتماعی در واقع بررسی معضلات موجود در زبان و زبان‌شناسی با تکیه بر داده‌های اجتماعی بیرونی مستخرج از دنیای عینی است. می‌توان این رویکرد را در «دو واژه گوناگونی‌ها و اعتبار خلاصه کرد» (Dell Hymez, 1997; Coupland&Jaworski, 1997:14). رویکرد سوم، یعنی زبان‌شناسی به‌عنوان یک برساخت اجتماعی، اصالت را به کارکردهای اجتماعی‌ای می‌دهد که باعث ساخت ویژگی‌ها و ابزار زبانشناختی با هدف ایجاد ارتباط و یا دلایل دیگر می‌شوند. در این رویکرد، این اجتماعات خاص و جوامع هستند که بر حسب کارکرد مورد نیاز، برخی ویژگی‌های زبانی را ابداع یا اختیار می‌کنند (Dell Hymez, 1997; Coupland&Jaworski, 1997:14). «زبان‌شناسی برساخته از اجتماع، امور اجتماعی را نیز درست مثل معانی ارجاعات و زبان را به‌عنوان بخشی از ارتباطات مد نظر خود دارد» (Dell Hymez, 1997; Coupland&Jaworski, 1997:15).

با توجه به این رویکرد، می‌توان گفت وظیفه زبان‌شناسی اجتماعی اکتشاف «معانی سخن» و الزاماً معانی این سخنان «رأی کسانی که از آن استفاده می‌کنند» است (Dell Hymez, 1997; Coupland&Jaworski, 1997:15). از این رو توجه به کارکردها و دیدگاه‌های موجود نیز به اندازه مؤلفه‌های فنی و ساختاری زبان دارای اهمیت هستند (Dell Hymez, 1997; Coupland&Jaworski, 1997:16). با اتکا بر این مفهوم از زبان‌شناسی و زبان‌شناسی اجتماعی دو عنصر تعیین‌کننده را می‌توان استخراج کرد؛ زبان‌شناسی معطوف به یک اجتماع زبانی است، هر اجتماعی نیز دارای سازماندهی کلی و اعضاست. «سازماندهی ویژگی‌های زبان‌شناسانه در یک اجتماع زبانی به‌معنی مشخص کردن راه و روش‌های سخن گفتن به کمک مجموعه‌های کلامی [موجود] است که دارای دو وجه معنایی ارجاعی و اجتماعی است. معانی ارجاعی به ساختارهای فنی و معانی اجتماعی به بسترهای نقل سخن بر می‌گردد. عضویت در یک اجتماع

زبانی شامل سهیم بودن در یک (یا چند) روش سخن می‌باشد» (Dell Hymez, 1997; Coupland&Jaworski, 1997:16).

یکی دیگر از رویکردهای نظری در تحلیل موضوع زبان به‌عنوان نماد و نشانه، رویکرد رابرت هاج^۱ و گانتر کرس (1988)^۲ است. از دیدگاه آنان نشانه‌شناسی چنین پدیده‌های زبانی و توجه به سبک می‌تواند ما را در دریافت ایدئولوژی حاکم در جامعه راهنمایی نماید. حالت‌های چندسویه در مکالمات یا آنچه به گفت‌وگو^۳ معروف است، می‌تواند نشانه‌ای از مشارکت در مخالفت با سامانه‌های مقتدر و تمامیت‌خواهی باشد که معمولاً در قالب تک‌گویی و نوشته‌های ساختار یافته ظاهر می‌شوند (Hodge & Kress, 1988; Coupland&Jaworski, 1997:50). حضور چنین نشانه‌هایی که از حالت رسمی و معمول فاصله می‌گیرند را می‌توان «موتور تغییرات زبان‌شناسی حال و گذشته» در نظر گرفت؛ چراکه پوششی برای نمایش تفاوت‌های اجتماعی نسبت به دیگر طبقه‌ها یا اجتماعات خاص و در عین حال اتحاد درونی طبقه و اجتماع خود است (Hodge & Kress, 1988; Coupland&Jaworski, 1997:51).

لابوف نیز نشانه‌های زبانی را به‌عنوان ابزار طبقه‌بندی و دسته‌بندی‌های اجتماعی می‌داند (Hodge & Kress, 1988; Coupland&Jaworski, 1997:51). در این مفهوم با استفاده از همبستگی اجتماع زبانی در استفاده از یک ویژگی زبان‌شناختی قادر خواهیم بود تا میان اجتماعات زبانی تمایز قائل شویم. واکنش‌های هرکدام از این اجتماعات زبانی متمایز به محصولات زبانی دیگری نیز زنجیره‌هایی از نشانه‌ها را فراهم می‌سازد که در یک تصویر کلی می‌تواند ارزش‌گذاری‌های متفاوتی را نسبت به فرانشانه‌های به ظاهر یکسان برملا سازد. نشانه‌شناسی در این سطح از نظر لابوف ابزاری به‌دست می‌دهد تا بتوانیم دست به شناسایی «معانی ضد-ایدئولوژی» در برابر ایدئولوژی حاکم بزنییم (Hodge & Kress, 1988; Coupland&Jaworski, 1997:52). چراکه این دست‌کنش‌ها و اصرار به تکرار آن در واقع نشانه‌ای از همبستگی‌های موجود در این اجتماع خاص زبانی است که به‌منظور بیان تفاوت‌های اجتماعی و هویتی استفاده می‌شود.

«هر گروه سامانهٔ «فرانشانه‌ای» خودش را دارد که برای تعیین هویت و بقای گروه‌های اجتماعی حیاتی است و آنها به سادگی از منفعت چنین سامانه‌هایی نخواهند گذشت» (Hodge & Kress, 1988; Coupland&Jaworski, 1997:53). بنابراین می‌توان چنین برداشت کرد که

1 Robert Hodge

2 Gunther Kress

3 Dialogue

استمرار در استفاده از لفظهای رکیک جنسی در توپیتر بین اجتماعهای مختلف کلامی، می‌تواند کارکردی فرانشانه‌ای در راستای تعیین هویت اجتماعی باشد.

در راستای کارکردهای زبان‌شناختی برای تعیین هویت، می‌توان به کارهای هالیدی (1978)^۱ اشاره کرد. او استفاده مستقیم از واژه‌ها و معانی بلافصل آنها را در قالب نظریه ضدزبان و ضدگروه ابزاری می‌داند که تا به کسانی که از آن استفاده می‌کنند هویتی مستقل نسبت به گروه مسلط در جامعه بدهد. «در ضدزبان‌ها، زبان در درجه اول برای خلق هویت گروهی و تثبیت تفاوت‌های گروهی از گروه مسلط موجودیت دارد» (Halliday, 1978; Coupland & Jaworski, 1997:53). چنین نظری کارکردی دوگانه به ضدزبان می‌دهد. از یک سو با شیوه‌های زبانی خاص غیرخودی‌ها را از گروه جدا می‌کند و با این کار هویت و ایدئولوژی خود را نیز معرفی می‌کند (Halliday, 1978; Coupland & Jaworski, 1997:53). در نظریه ضدزبان، خود کلمات به‌مثابه حامل‌های بلافصل معانی و در نتیجه خود معانی مستقیماً نقش مرکزی را بازی می‌کنند. با توجه به مباحث نظری مذکور، چارچوب نظری و تحلیلی پژوهش حاضر مبتنی بر نکات ذیل بوده است.

ابتدا توجه به تعدد و تکرار پدیده زبانی «توهین‌های جنسی و الفاظ رکیک جنسی» در توپیتر فارسی معطوف است. این مورد با تکیه بر نظریه‌های لابوف و دل‌هایمز، چیزی بیش از اعداد و رقم در تحلیل جامعه به ما می‌دهد. تعدد این پدیده، وجود جریان‌هایی اجتماعی را در حداقل فضای توپیتر به ما نشان می‌دهد. این تکرار و تعدد، واژگان را دیگر از حالت ارجاعات لفظی خارج می‌کند و امکان حضور معانی جدید با ارجاعات اجتماعی را فراهم می‌کند. در گام بعدی و باز با اتکا بر نظریه‌های همین دو نفر خارج از معانی، کارکردهای اجتماعی این پدیده‌های زبانی مد نظر قرار می‌گیرند. این کارکردها حول خاصیت‌های نشانه‌شناختی این الفاظ طبق نظریه‌های لابوف، هاج و کرس و هالیدی برقرار می‌شوند. بدین شکل که خاصیت فرا نشانه‌ای یا ضدزبانی به خود می‌گیرند تا در طبقه‌بندی‌های اجتماعی یا پوشش‌های هویت‌طلب مورد استفاده قرار گیرند.

روش‌شناسی

استفاده از روش‌شناسی ارائه‌شده با توجه به معیارهای تحلیل‌های قوم‌نگارانه و انسان‌شناختی بسیار ابزار قدرتمندی را در اختیار قرار می‌دهد. موریه ساویل^۲ (1989) معتقد است که برای

1 Halliday

2 Muriel Saville-Troike

برخورد قوم‌نگارانه در تحلیل‌های ارتباط جمعی لازم است تا در درجهٔ اول و دست کم اجتماع زبانی مدنظر را به‌طور آزمایشی تعریف کنیم تا بتوانیم ساختارهای اجتماعی و فرهنگی شاخص آن را درک کنیم و فرضیاتی را در این باب بپروانیم (Saville, 1989; Coupland & Jaworski, 1997:126). از این رو فارسی‌زبانان شبکهٔ اجتماعی توییتر که عمدتاً جوان هستند و از زبانی تند و غیررسمی برای ارائهٔ پیام استفاده می‌کنند، در اینجا اجتماع زبانی مدنظر را تشکیل می‌دهند. الزامات چنین تحلیلی «...شناسایی تعدد وقایع، شناسایی ترکیبات اساسی و کشف روابط موجود میان اجزا و رویدادها و همین‌طور دیگر وجوه جامعه است» (Saville, 1989; Coupland & Jaworski, 1997:126).

این رویکرد به انضمام کارهایی که از لایوفا به آنها اشاره شد، اهمیت و ضرورت کار کمی را برای ما و در این مطالعه مشخص کرده است. پس در این پژوهش انسان‌شناسانه و قوم‌نگارانه ما تعدد وقایع را به‌عنوان هدف اولیه مورد بررسی قرار می‌دهیم. بدیهی است که یک مطالعهٔ قوم‌نگاری توسط یک عضو جامعه و فرهنگ مورد مطالعه این مزیت را در بر دارد که خود پژوهشگر منبعی برای تعیین اعتبار معانی و ظرافت‌های فرهنگی مشاهده شده است (Saville, 1989; Coupland & Jaworski, 1997:127). انواع متنوعی از داده برای انجام یک چنین مطالعاتی وجود دارد که به شناخت زبان و ارتباطات کمک می‌کند. این فهرست شامل اطلاعات پیش‌زمینهٔ تاریخی و فرهنگی، اسباب و اثاثیه ارتباطی، سازمان‌دهی اجتماعی، اطلاعات قانونی، داده‌های ادبی و هنری، خرد جمعی، باورهای مربوط به موارد استفادهٔ زبان و داده‌های رمزنگاری شدهٔ زبان‌شناسانه است. روش‌های جمع‌آوری این داده‌ها نیز در درون‌نگاری، مشاهدهٔ مشارکتی، مشاهدهٔ صرف، مصاحبه، نشانه‌شناسی قومی، مردم‌نگاری و تحلیل تعاملی و متن‌شناسی خلاصه می‌شوند (Saville, 1989; Coupland & Jaworski, 1997:127). اگر ارتباطات را به‌صورت رویدادهایی متمایز و چیزی فراتر از چارچوب‌های گفتمانی بدانیم، برای تحلیل چنین ارتباطاتی در دل یک قوم‌نگاری باید اجزای ارتباطی را شناسایی کرد که شامل ژانر و گونهٔ رویداد، موضوع و ارجاعات، هدف و کارکرد، مشخصات زمینه، زمینهٔ احساسی، صورت پیغام (کلامی یا غیرکلامی)، محتوای سطحی، دنبالهٔ کنش و واکنشی، قواعد تعاملی و هنجارهای تفسیری است. جامعهٔ هدف مورد مطالعه همان‌طور که مشخص است، کاربران فارسی‌زبان توییتر است که به زبان و رسم‌الخط فارسی پیام‌های توییتری منتشر می‌کنند. این بستر در میان کاربران اصطلاحاً به توییتر فارسی معروف شده است.

نکات ذکر شده در روش‌شناسی پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است و طراحی پژوهش بدین صورت انجام پذیرفته است. از این اجزای قوم‌نگاری در مرحلهٔ تمایز و تشخیص زمینه‌های

فحاشی و تحلیل‌های مربوط توزیع‌های معنی‌دار استفاده شده است. از آنجایی که پایش مدّ نظر از ابتدا مربوط به رصد کلماتی از درون متون ثبت شده تحت عنوان توییت بوده است، روش‌های خلاصه‌برداری^۱ در تحلیل محتوا و تحلیل مفهومی متن^۲ (Hsieh. H, & Shannon, ۲۰۰۵) (Furner, ۲۰۰۴) مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

بخش عمده‌ای از این روش‌شناسی‌ها در مواردی مربوط به علوم پزشکی و علوم اجتماعی (Hsieh. H, & Shannon, ۲۰۰۵). و به منظور درک بهتر رفتارهای شخصی و ارتباط مفهومی میان اسناد ثبت شده با دیگر متغیرها مورد استفاده قرار گرفته‌اند (Hsieh. H, & Shannon, ۲۰۰۵). روش خلاصه‌برداری معمولاً در رویکردهای کیفی تحلیل محتوا با شناسایی کلمات یا محتواهایی خاص در متن شروع شده و با هدف به‌دست‌دادن فهمی وسیع‌تر از زمینه مورد استفاده این کلمات ادامه می‌یابند. (Hsieh. H, & Shannon, ۲۰۰۵). «این نوع پژوهش‌ها پا را از صرف شمارش کلمات فراتر می‌گذارند و سعی در فهم موارد استفاده نهان این کلمات در درون متون دارند. شمارشی که از این کلمات به‌دست می‌آید، دست را برای تفسیر نیات پشت استفاده از این کلمات باز می‌گذارد» (Hsieh. H, & Shannon, ۲۰۰۵: ۱۲۵). از درون این شمارش، می‌توان زمینه‌های استفاده از چنین کلماتی را با توجه به میزان تکرار و فراوانی آنها به‌دست آورد. از ویژگی‌های مثبت این روش «غیر مداخله‌گر و واکنشی نبودن آن در مطالعه پدیده مدّ نظر است» (Hsieh. H, & Shannon, ۲۰۰۵: ۱۲۵). چنین ویژگی‌ای در روش‌شناسی دقیقاً مناسب با هدف ما در استخراج داده‌های مورد نظر در این پژوهش است.

در راستای ارائه فرضیه و گمان فرهنگی هم مطالعاتی که اخیراً تحت عنوان علوم بایگانی مطرح شده است، مورد استفاده قرار گرفته‌اند (Furner, ۲۰۰۴). در این رشته مطالعات که معمولاً مربوط به بررسی سندیت شواهد و گواه‌های موجود در روند یک استدلال و رسیدن به نتیجه می‌باشند (Furner, ۲۰۰۴)؛ ویژگی‌هایی برای سندیت بر شمرده شده است که سعی شده است در این پژوهش مورد توجه قرار گیرند:

این ویژگی‌ها شامل موارد نسبی بودن، احتمالی بودن، ذهنی یا فیزیکی بودن، واقعی یا انتسابی بودن، صوری یا محتوایی بودن و دیدگاهی یا قضیه‌ای بودن سند است (Furner, ۲۰۰۴). تعیین نسبت توییت‌های بررسی شده با این ویژگی‌ها ما را در راه پرورش فرضیه‌ای معتبرتر کمک کرد. اساس طراحی این پژوهش استفاده از روش تحلیل محتوا و خلاصه‌برداری از متون بوده است. در این راه ابتدا ۶ کلمهٔ رکیک جنسی که یا مستقیماً اشاره به آلت جنسی زن و مرد دارند و یا اشاره به فعالیت‌های جنسی دارند انتخاب شدند.

1 summative methods

2 conceptual analysis

این شش کلمه به صورت معنایی شامل آلت جنسی مرد، آلت جنسی زن، کارگر جنسی زن، مقاربت، معامله‌گر جنسی و عبارات بی‌محتوا هستند.

این ۶ کلمه، هر کدام طی ۴ ساعت در طول تمام ۲۴ ساعت شبانه روز مورد جستجوی خودکار قرار گرفتند. مدت زمان جستجوی واژگان این پژوهش ۴ روز متوالی بوده است. این جستجو به کمک توسعه یک برنامه کامپیوتری با زبان پایتون^۱ و بر مبنای کتابخانه توییپای^۲ که توسط سرویس ای‌پی‌آی^۳ وبگاه توییتر در اختیار توسعه‌دهندگان نرم‌افزاری قرار گرفته است، انجام شده است.

شرح ساز و کار پیمایش صورت گرفته در این برنامه کامپیوتری به این صورت است که با ورود یک کلیدواژه و با استفاده از حساب کاربری توسعه‌دهنده خود در توییتر و بسته به زمان اجرای برنامه، توئیتهایی که حاوی کلیدواژه ورودی هستند، ذخیره‌سازی می‌شوند. خروجی این برنامه، اطلاعاتی است موسوم به فایل جی‌سون^۴ که اطلاعاتی از جمله متن توئیتهای حساب کاربری توئیتهای کننده و غیره را در اختیار توسعه‌دهنده قرار می‌دهد.

از طریق این ساز و کار ۷۳۹ توئیتهای حاوی یک یا چند عدد از واژه‌های انتخابی ثبت گردید که از این تعداد ۷۰۷ توئیتهای متمایز و ۶۳۰ کاربر متمایز شناسایی شدند. تعداد توئیتهای یافت شده «حداقل» توئیتهای موجود و نه تمام آنهاست. از این رو نتیجه‌های حاصله نیز حداقلی هستند و ابعاد واقعی موضوع مورد پژوهش حتی از نتایج به‌دست آمده نیز بیشتر است. بر طبق داده‌های به‌دست آمده و با استفاده از برنامه کاربردی نامبرز^۵ (معادل برنامه اکسل^۶ در سیستم عامل مک^۷)، آماره‌های موجود تولید شدند و با روایت پژوهشگر در ۷ بخش به صورت اینفوگرافی تصویری درآمدند.

یافته‌های پژوهش

بالغ بر ۷۰۰ توئیتهای در این پایش - و همان‌طور که ذکر شده به صورت هدفمند و با تکیه بر روش تحلیل محتوا و تحلیل مفهومی متن - مورد بررسی قرار گرفته‌اند. از خلال بررسی محتوایی توئیتهای، سه رده‌بندی زمینه‌ای یا تماتیک صورت گرفته است. سه رده‌بندی استخراج شده شامل موارد زیر هستند:

1 Python
2 Tweepy Library
3 API
4 Json
5 Numbers
6 Excel
7 Mac OS

زمینه سیاسی: توییت‌های قرارگرفته در این رده‌بندی شامل واکنش‌های مردم به اتفاقات سیاسی روز است که با خشونت کلامی و به‌کار بردن کلمات رکیک جنسی همراه شده باشد. این توییت‌ها واکنش‌هایی به اخبار رسمی یا غیررسمی منتشر شده توسط دیگر رسانه‌ها یا نظرات شخصی افراد توییت‌ر در مورد اتفاقات سیاسی را شامل می‌شود.

زمینه تحقیر جنسی: توییت‌های این دسته، توییت‌هایی هستند که فارغ از فرم جنسی کلمات به‌کار رفته - که در تمام زمینه‌های مورد بررسی وجود دارد، محتوا و معنی کل پیام، شامل توهین‌ها و تحقیرهای جنسیتی باشد و یا دقیقاً کنش‌ها و عملیات جنسی مدتظر نویسنده پیام در خطاب به کاربر دیگر یا اشخاص حقیقی و حقوقی دیگر باشند.

بدهنی‌های محتوایی: در این دسته توییت‌های قرار می‌گیرند که فحاشی‌های رکیک جنسی را در روابط کلامی عادی و شخصی افراد، خارج از دو دسته قبل در خود جای داده‌اند. جدول ۱ شامل سهم هر یک از زمینه‌های بالا در توزیع توییت‌های بررسی شده است.

جدول ۱

فراوانی (%)	زمینه
60	بدهنی و بی‌ادبی
27	سیاسی
13	جنسی

جدول ۲. توزیع فراوانی کلمه رکیک جنسی انتخاب شده نیز به درصد در جدول ۲ نمایش داده شده است

جدول ۲.

فراوانی (%)	فحش رکیک
38.61	آلت جنسی مرد
23.27	عبارات بی‌محتوا
15.83	کارگر جنسی زن
11.77	معامله‌گر جنسی
9.61	آلت جنسی زن
2.71	عمل مقاربت

تحلیل آماری کلمات رکیک جنسی

تحلیل محتوایی ما مبنی بر آماره‌های فراوانی، انواع توزیع‌های، تطبیق توزیع‌ها و میزان نفوذ و استقبال شکل گرفته است. در ادامه نیز فرضیاتی ارائه خواهد شد تا با پشتیبانی ادبیات مرور شده پدیده‌های عینی قابل ارجاعی معرفی گردد تا در تحقیقات آتی بتوان صحت آنان را سنجید. فراوانی تجمیعی کلمات رکیک جنسی مورد پایش قرار گرفته و در طول مدت زمان چهار ساعته مورد محاسبه قرار گرفته است. ۷۳۹ توییت در مجموع در یک دوره ۴ ساعته حاوی یکی از شش کلمه ذکر شده ضبط شده است. میانگین سرعت تولید این توییت‌های رکیک چیزی حدود یک توییت در هر ۲۰ ثانیه است.

توزیع جنسیتی کاربران توییت‌ری که از کلمات رکیک جنسی استفاده می‌کنند در جدول ۳. به صورت سهم آنها از کل توییت‌ها (با حذف توییت‌هایی که امکان تعیین هویت جنسی آنان فراهم نبوده است).

جدول ۳.

مردان (۷۹٪)	زنان (۳۱٪)
-------------	------------

همین‌طور توزیع کلمات شش‌گانه رکیک جنسی به تفکیک جنسیت مورد استفاده نیز از جدول ۴. قابل استخراج است.

جدول ۴.

فحش رکیک	زن (%)	مرد (%)
آلت جنسی مرد	28	40
عبارات بی‌محتوا	26	17
کارگر جنسی زن	10	11
معامله‌گر جنسی	14	12
آلت جنسی زن	20	16
عمل مقاربت	2	2

تطبیق توزیع‌ها

تطبیق برخی از توزیع‌های دسته‌بندی کلیدواژه‌های جنسی مورد پایش با دسته‌بندی‌های زمینه‌ای صورت‌گرفته و همین‌طور دخیل‌کردن متغیرهای مکمل^۱ مانند مؤلفه‌های هویت شخصی (نام کاربری، جنسیت، سن و...) می‌تواند نکات قابل تأملی را در این تحلیل محتوا نشان دهد. از میان این اطلاعات جدول ۵. به منظور تعیین نسبت میان متغیرهای زمینه‌ای جدول ۱. و کاربران قابل تمایز استخراج شده است.

جدول ۵.

تعداد توییت‌های متمايز	تعداد کاربران با هویت قابل تمايز مرد (%).	تعداد کاربران با هویت قابل تمايز زن (%).	هویت غيرقابل تمايز (%).
670	۴۵۲ (۶۷).	۱۳۹ (۲۰).	۷۹ (۱۱).

جدول ۵. شامل تعداد کاربرانی است که به کمک هیچ یک از شاخص‌های قطعی یا احتمالی تعیین هویت که در این پژوهش نام حقیقی کاربری، تصویر حساب کاربری حقیقی، محتوای توییت‌های قابل ارجاع به جنسیت حقیقی و شبکه‌دوستان مشترک حقیقی بر پایه موقعیت مکانی خاص می‌شود نمی‌توان هویت شخصی آنها را متمایز کرد. از مقایسه تطبیقی اطلاعات جداول ۱. و ۵. در مورد هویت توییت‌کنندگان در زمینه سیاسی، اطلاعات ذیل به دست می‌آیند.

جدول ۶. توزیع زمینه‌ای توییت‌های بدون هویت به درصد

بددهنی	زمینه سیاسی	زمینه تحقیر جنسی
27	68	3

به همین ترتیب از مقایسه تطبیقی اطلاعات جداول ۱. و ۲. اطلاعات زیر در مورد کلمات استفاده شده برای توییت‌های دارای زمینه تحقیر جنسی قابل استخراج هستند (جدول ۷).

جدول ۷.

کارگر جنسی زن	عمل مقاربت	آلت جنسی مرد	معامله‌گر جنسی	آلت جنسی زن	عبارات بی‌محتوا
40	1	20	2	35	1

بنابراین از جدول ۶ می‌توان چنین نتیجه گرفت که بیش از دو سوم از تعداد کل توییت‌های فاقد هویت در زمینه سیاسی استفاده شده است که مشخص‌کننده کارکرد عمده فعالیت بدون هویت در فضای مجازی است. از جدول ۷ هم می‌توان چنین برداشتی داشت که علی‌رغم تعداد کم تحقیرهای جنسی در کل کارکردهای توییت‌های رکیک، همچنان پرکاربردترین واژه، سوی زنانه دارد و خشونت علیه زنان را می‌توان به طرز معناداری از آن تفسیر کرد.

میزان نفوذ و استقبال

توییت‌های بررسی شده در این پژوهش، به دلیل ماهیت شبکه‌ای توییتر، بار بیشتری از صرف یک توییت دارند. توییت‌ها مخاطب دارند. می‌توانند مورد پسند واقع شوند. بازنشر شوند. از این رو هر یک از این توییت‌ها می‌توانند از نظر حجم نمونه مورد بررسی، این جامعه را تا چندین برابر گسترش دهند. برای بررسی نفوذ این ادبیات در جامعه آماری مورد بررسی از امکان پسندیدن ۱ توییت استفاده شده است. اطلاعات مربوط به پسندیده شدن توییت‌ها در ادامه آمده است. (جدول ۸).

جدول ۸.

توییت	تعداد (درصد).
لایک شده	۳۷۷ (۵۷٪)
لایک نشده	۲۹۳ (۴۳٪)
کل	۶۷۰ (۱۰۰٪)

آماره میانگین در این داده‌ها ۸ مورد پسندیده شدن (لایک) به ازای هر توییت است و آماره بیشینه (ماکسیمم) نیز ۲۳۰ پسندیده شدن برای یک توییت است.

فرضیات و بحث

با مراجعه به بخش استخراج شده از ضریب نفوذ و استقبال کاربران از این پدیده زبان‌شناختی اجتماعی (جدول ۸)، ظهور این پدیده را در اجتماع با گریز بر نظریات دل‌هایمز و لایوف عینی و آگاهانه دانست. همان‌طور که پیش از این نیز به آن اشاره شد، لایوف (۱۹۹۷) و دل

هایمز(۱۹۹۷) مدعی شدند که وقوع و تکرار یک پدیده زبانی که در یک مدت زمان مشخص، نشانه‌ای از تغییرات اجتماعی در ساختار زبان باشد.

اگر این فحاشی‌های رکیک جنسی را چنانچه لایوف (۱۹۹۷) مطرح کرد و کرس و هاج (۱۹۹۷) توسعه دادند، فرانسانه در نظر بگیریم، می‌توان آنها را به‌عنوان ابزاری برای ابراز کوشش‌های هویت جمعی جدید در اجتماع زبانی در نظر گرفت.

در این میان تأکید ما بر هویت، مبنی بر رویکردهای انتقادی موجود در نظریه جامعه‌شناسی به رویکرد است. برای روشن شدن موضوعیت ارجاعات هویتی در نتیجه‌گیری این داده‌ها از دیدگاه‌های بوردیو (۱۹۹۲) و لاولر (۲۰۱۴) یاری گرفته شده است. همان‌طور که رویکردهای بوردیو در تمام آثار خود بسیار عینی و تجربی بودند، از منظر وی بررسی پویای هویتی نیز نیاز به مستندات عینی و قابل ارجاع دارند (Bourdieu, 1992: 220). از این حیث شبکه‌های اجتماعی (در اینجا توپیتر) با توجه به قابلیت ثبت و ضبط روایت‌های شخصی و اجتماعی از نگاه عوامل اجتماعی کارکردی هویتی می‌توانند به خود بگیرند. «وقایع‌نگاری تصویری از خود به‌دست می‌دهد که به‌مثابه نتیجه اجتناب‌ناپذیر و واقعی‌سازی شده اتفاقاتی به حساب می‌آیند که زندگی را می‌سازند» (Lawler, 2014: 29). با این رویکرد است که در واقع می‌باید هویت را نه بحثی ذاتی، بلکه امری تولیدی و اجتماعی در نظر گرفت (Lawler, 2014: 30). این تولیدات در خلال «تأثیرات اجتماعی» حادث می‌شوند که «... صرف تولید آنچه در ظاهر توصیف یا تصویر می‌کنند، می‌گردد» (Bourdieu, 1992: 223). خاصیت چنین رویکردهایی در نمادین بودن آن است. انتخاب نمادین فحاشی‌های رکیک در توپیتر توسط کاربران، کوششی است تا در بدین واسطه «به‌رسمیت شناخته شوند» و «معیاری باشد تا مرزبندی‌های رسمی و مشروعی از آنها در دنیای اجتماعی صورت پذیرد» (Bourdieu, 1992: 223). نکته بعدی، در ویژگی‌های تعاملی و برهم‌کنشی این بسترهای اجتماعی است. از شاخصه‌هایی که هم بوردیو و لاولر به آن اشاره داشته‌اند، روند برساختی هویت در پی برهم‌کنش‌های اجتماعی است. «صور هویتی ترکیب‌هایی اشتراکی هستند» (Lawler, 2014: 30) و در طی «گفتمان‌های اجرایی» خود را «برملا» می‌سازند و تبدیل به «گفتمان‌های واقعی» می‌شوند (Bourdieu, 1992: 224). توپیتر و قابلیت‌های برهم‌کنشی آن از قبیل پسندیدن و بازنشر، کاملاً این ویژگی‌ها در برساخت هویت ارضا می‌کنند. «هویت... باید به‌صورت روندی جاری دیده شوند» (Lawler, 2014: 10) تا بتوان درک بهتری از گذر زمان و کنش و واکنش‌های

اجتماعی در آنها داشت. گذر زمان و برهم‌کنش، شاخصه‌هایی هستند که تجربه تاریخی فرد را از هویت شکل می‌دهند (Lawler, 2014) و توییت‌ر این تجربه را به‌طور عینی در اختیار عاملین اجتماعی قرار می‌دهد.

اجتماع زبانی (یعنی کاربران توییت‌ر فارسی) با پافشاری شدید بر استفاده از این روش سخن و گویش زبانی، ضدزبان یا ضدگفتمانی علیه گفتمان و زبان مسلط و رسمی در جامعه ساخته‌اند. این عمل به آنها این امکان را می‌دهد تا با هویتی جدید، خودشان را در مقابل نیروها و گفتمان مسلط جامعه قرار دهند. با مراجعه به جدول ۱ در مجموع بیش از ۸۷ درصد از این توهین‌ها و فحاشی‌ها یا بددهنی‌های عموم و در ملع عام است، یا اصولاً واکنشی مستقیم به اتفاقات و اخبار سیاسی. این موضوع به این معنی است که اصرار در کاربرد این‌چنینی این الفاظ تلاشی بر ضد گفتمان رسمی جامعه است. به زبان هالیدی (1978)، این موضوع نشان از جنبش‌های هویتی و ضدایدئولوژی یا ضدرسمی دارد که محرکشان همین تغییرات زبانی است. تغییر این ساختار زبانی-اجتماعی در جامعه محافظه‌کار زبانی ما بسیار قابل توجه است. توییت‌ر به دلیل امکانات خود، نمونه‌باز و قابل دسترسی از سپهر عمومی به حساب می‌آید و تعلق سهم ۸۹ درصد (جدول ۵) به کاربران دارای گونه‌ای هویت، موضوعیت تغییر ساختارهای اجتماعی-زبانی را نمایان می‌کند.

با این وجود، می‌توان چنین تغییرات و جنبش‌های زبانی را در هر فعالیت و خواست هویت‌گرای دیگری هم مرتبط دانست. این حجم بالا از استفاده عیان از این ادبیات در فضای عمومی می‌تواند بیان‌گر تلاش این اجتماع زبانی در برساخت ساختارهای جدید زبانی است و هیچ ابایی هم در چنین رفتاری از خود نشان نمی‌دهد. همین حضور عیان و بی‌پرده خود حاکی از ماهیت هویت‌گرای این چرخش‌های زبانی دارد. افراد این اجتماع زبانی می‌خواهند که با چنین شاخصه‌هایی شناخته شوند. یکی از این جنبش‌های هویت‌گرایی که در این پژوهش قابلیت رصد دارد برای نمونه، گفتمان برابری خواهی جنسیتی است. چنانچه در جدول ۳ قابل مشاهده است، جمعیت قابل توجهی از زنان نسبت به معیارهای اخلاقی و محافظه‌کارانه جامعه ایران در استفاده از این الفاظ رکیک‌درگیر هستند. این موضوع می‌تواند به این دلیل باشد که زنان خواهان رفتار برابر با مردان هستند و حتی در ارتباطات نیز خواهان ابزار و گزینه‌های برابری هستند. یکی از توییت‌های بررسی شده که توسط یک زن ثبت شده بود، مستقیماً به این درخواست گواهی می‌داد. زنان می‌خواهند خود را با همان امکاناتی که استفاده این واژگان توسط مردان به آنها می‌دهد؛ خود را بیان کنند.

بنابراین، می‌توان فرض کرد که استفاده مستقیم و بی‌پرده از توهین‌های جنسی و الفاظ رکیک در سپهرهای عمومی، صورت جدید برای بیان‌های هویت‌گرا و ضد زبان و ضد ایدئولوژی در جامعه ایران است.

با توجه به عدم دسترسی به آمار رسمی از کاربران توییت در ایران، انجام پژوهش‌های کاملاً کمی یا استفاده از روش‌های ترکیبی دور از ذهن و واقعیت است و با توجه به این محدودیت، پژوهش‌های انسان‌شناسی عمیق در این سطح دسترسی برای پژوهندگان امکان‌پذیر نبوده است. با توجه به فرضیه مطرح شده پیرو هویتی بودن این تغییرات زبان‌شناسی؛ ضروری است برای رد یا اثبات این فرضیه، زبان‌شناسان اجتماعی و انسان‌شناسان با افزایش جامعه هدف در دسترس و پیاده‌سازی روش‌شناسی‌های مرسوم مثل مردم‌نگاری و قوم‌نگاری و تکنیک‌هایی مثل مصاحبه به شرط جلب اعتماد این کاربران، اقدام به مطالعات بیشتری در این زمینه کنند. از سوی دیگر، پیگیری این فرضیه و آزمون و خطای آن در دیگر سپهرهای عمومی مثل دانشگاه‌ها و محیط‌های کسب و کارهای نوین که انباشتی از جوانان هویت‌گرا را در خود می‌تواند جای داده باشد نیز پیشنهاد می‌گردد.

منابع

- آقاابراهیمی، هاجر و میرطلائی، مائده (۱۳۹۲) تاثیر متغیر جنسیت بر میزان استفاده وبلاگ نویسان از گفتمان نماهای انسجام آفرین، مجموعه مقالات نخستین هم اندیشی زبان فارسی و اینترنت، انجمن زبان‌شناسی ایران با همکاری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران: نشر نویسه پارسی، صص ۱۴۶-۱۲۳.
- باقری کرم، شهره (۱۳۹۰) بررسی کاربردشناختی پیامک‌های زبان فارسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان، دانشکده زبان‌های خارجی.
- بی جن خان، محمود (۱۳۹۱) خط و زبان فارسی در فضای مجازی، همایش محتوای ملی در فضای مجازی، تهران: ایران.
- پیشگاه‌زاده، احمد (۱۳۸۸) محاوره اینترنتی و تأثیر آن در فرهنگ عمومی، فصلنامه نامۀ پژوهش فرهنگی، سال دهم، دوره سوم شماره هفتم، پاییز.
- زندی، بهمن و ربانی، فاطمه (۱۳۸۸) بررسی میزان همخوانی زبان پیام کوتاه با زبان فارسی معیار، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره دوم، شماره یک، صص ۷۶-۴۷.
- شهریاری فرد، آذین و چلمقانی، علی (۱۳۹۲) زبان فارسی در شبکه‌های اجتماعی، مجموعه مقالات نخستین هم‌اندیشی زبان فارسی و اینترنت، انجمن زبان‌شناسی ایران با همکاری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تهران: نشر نویسه پارسی، صص ۴۷-۲۷.
- قلی فامیان، علیرضا (۱۳۹۲) جایگاه زبان فارسی در اینترنت، «وضعیت کنونی و چشم‌انداز آینده»، مجموعه مقالات نخستین هم‌اندیشی زبان فارسی و اینترنت، انجمن زبان‌شناسی ایران با همکاری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تهران: نشر نویسه پارسی.
- کوثری، مسعود و خیرخواه، طاهره (۱۳۸۷) تحلیل محتوای پیام‌های کوتاه دانشجویان دانشگاه‌های تهران، تحقیقات فرهنگی ایران، دوره ۱، شماره ۲، صص ۷۸-۵۷.
- محمدنژاد عالی زمینی و کاووسی (۱۳۸۷) تأثیر فناوری‌های نوین ارتباطی بر زبان فارسی. تهران: انتشارات شادان
- هدایت مفیدی، مسیح؛ کامیابی گل، عطیه و علیزاده، علی (۱۳۹۶) آسیب‌شناسی زبانی و بلاغی زبان فارسی در شبکه ارتباطی تلگرام، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، ۱۰(۴)، ۱۶۸-۱۵۱.
- حاتمی، عباس و رهبرقاسمی، محمودرضا (1396) تجزیه و تحلیل رابطه محافظه کاری و اصولگرایی در ایران، فصلنامه توسعه اجتماعی 103, 11(4), 13008, 2017. doi: 10.22055/qjst.2017.13008
- حسینی، عبدالحامد (۱۳۸۰) جامعه‌شناسی محافظه‌کاری و نومحافظه‌کاری، فصلنامه فرهنگ و توسعه، شماره ۴۷ و ۴۸.
- Adams, Henry. "The Education of Henry Adams. " 1918, doi:10. 5479/sil. 12378. 39088001174630.
- (n. d.) Retrieved from <http://sadishenasi. com/Detail. aspx?id=473>

- Ballard, W. L. (1980) M. A. K. Halliday, "Language as social semiotic: The social interpretation of language and meaning". London: Edward Arnold, 1978. Pp. 256. *Language in Society*,9(01) , 84. doi:10. 1017/s004740450000782x
- Bourdieu, P. (n. d.) "The Forms of Capital. " *Readings in Economic Sociology*,280-291. doi:10. 1002/9780470755679. ch15
- Bourdieu, P. , Thompson, J. B. , Raymond, G. , & Adamson, M. (2011) *Language and symbolic power*. Cambridge: Polity Press.
- Burling, R. , & Labov, W. (1975) "Language in the Inner City: Studies in the Black English Vernacular". *Language*,51(2) , 505. doi:10. 2307/412879
- Darnell, R. , & Labov, W. (1975) "Sociolinguistic Patterns". *Language*,51(4) , 1008. doi:10. 2307/412715
- Dorf, R. C. (2006) *Technology, humans and society: Toward a sustainable world*. San Diego, CA: Academic Press.
- Durkheim, E. (1960) *The rules of sociological method*. Burwood, N. S. W. : Royal Blind Society of New South Wales.
- Furner, J. (2004) "Conceptual analysis: A method for understanding information as evidence, and evidence as information". *Archival Science*,4(3-4) , 233-265. doi:10. 1007/bf02513401
- Hodge, R. , & Kress, G. (1997) "Social Semiotics, Style and Ideology". *Sociolinguistics*,49_54. doi:10. 1007/978_1_349_25582_5_7
- Hsieh, H. , & Shannon, S. E. (2005) "Three Approaches to Qualitative Content Analysis". *Qualitative Health Research*,15(9) , 1277-1288. doi:10. 1177/1049732305276687
- Hymes, D. (1997) "The Scope of Sociolinguistics". *Sociolinguistics*,12_22. doi:10. 1007/978_1_349_25582_5_2
- Identity: Sociological perspectives. (2014) Oxford: Polity Press.
- ISNA News Agency. (2016, October 14) «تاثیر فضای مجازی بر زبان فارسی» Retrieved from <https://www.isna.ir/news/95072312938/تاثیر-فضای-مجازی-بر-زبان-فارسی-بررسی-شد>
- Labov, W. (1997) "Linguistics and Sociolinguistics". *Sociolinguistics*,23-24. doi:10. 1007/978_1_349_25582_5_3
- Luhmann, N. , Gilgen, P. , & Baecker, D. (2017) *Introduction to systems theory*. Malden: Polity.
- Parsons, T. (1968) *The structure of social action*. New York: Free Press.
- Postman, N. (1993) *Technopoly: The surrender of culture to technology*. New York: Vintage Books.
- Saville-Troike, M. (1997) "The Ethnographic Analysis of Communicative Events". *Sociolinguistics*,126-144. doi:10. 1007/978_1_349_25582_5_12
- Twitter Terms of Service. (n. d.) Retrieved from <https://twitter.com/en/tos>